



۲۰۱۶/۰۴/۲۴



هاشم انوری

## هفت ثور شروع بحران، هشت ثور ادامه بحران (برادران دوگانه)

آیا بازیگران فلم های فاجعه بار هفت و هشت ثور که بدبختانه هنوز در قید حیات هستند از نقش های خائنانه و جلاد گونه خود در حق مردم افغانستان نادم هستند؟؟؟

فریاد خلق تا به فلک رفت روز و شب يك بار كس نگفت كه آنجا صدای کیست

\*\* \* \*\*

این خاک تر بخون شده ماتمسرای کیست وین مرغ پر شکسته دل بینوای کیست  
چون ازدهای گرسنه دژهای آهنین بمب های مرگبار به صحن فضای کیست

استاد خلیل الله خلیلی

مردم عزیز ما در این روزها یکبار دیگر منتظر دو روز سیاه تاریخی ۷ ثور ۱۳۵۷ و ۸ ثور ۱۳۷۱ هستند، روز هایی که قلب ملیون ها افغان را در اثر از دست دادن عزیزان شان جریحه دار ساخته و به روز سیاه نشانده است، و از صمیم قلب خواهان تفتیح هر دو روز اند اما با تأسف که تجلیل از ۸ ثور جبراً بالای مردم ما تحمیل می گردد، روزهای نامیمونی که هر افغان درد دیده را به فکر سه دهه قبل می اندازد و خاطرات تلخ گذشته شان را از این دوره های ترور و اختناق تازه می سازد. ایکاش روشنایی صبحگاهان هرگز درین دو روز تاریک نمی تابید، تا ملیون ها انسان وطن ما شهید، معیوب و مهاجر و سرگردان ملک های اغیار نمی گردید. البته داستان و تاریخچه آغاز این دو روز فلاکتبار سال هاست که از طرف اکثریت مردم اصیل و وطندوست افغانستان توسط نوشتن مقالات، میزهای مدور، گردهمایی ها، فلم های مستند و غیرقابل انکار به دسترس مردم قرار داده شده است، و جهانیان هم از این فجایع و واقعات دلخراش اواخر سده ۲۰ در حق مردم بینوای افغانستان مطلع هستند، اما باز هم جا دارد که از این دو روز سیاه به طور دائم علیرغم عقیده بعضی افراد مغشوش جامعه یادآوری به عمل آید، تا مردم افغانستان و مخصوصاً نسل جوان این سازنده های تاریخ سال های بعدی کشور ما افغانستان عزیز در جریان باشند، و بدانند که کی ها بودند که سرنوشت شان را در این بیشتر از سه دهه به این جا کشانده و زندگی خوش، آرام و آبرومند شان را با یک اقدام عجولانه و ناسنجش که منجر به سرنگونی دولت با اعتبار افغانستان گردید (که از اعتبار جهانی و منطقوی برخوردار بود) و بجایش رژیم کمونیستی طرفدار و نوکر شوروی را به مداخله و حمایت شوروی در ۲۷ اپریل سال ۱۹۷۸ مستقر ساختند. خلقی ها و پرچمی ها بدون در نظر داشت شرایط عینی و ذهنی کشور به یک سلسله اقدامات عجولانه و ناسنجش که کاملاً خلاف مقدسات دینی، مذهبی، فرهنگی و عنعنات دیرینه ملی و تاریخی مردم ما بود و هست،

متوسل گشتند، این نوکران حلقه به گوش کرملین از هیچگونه خیانت و هیچ نوع ظلم و کشتار بیرحمانه در حق مردم افغانستان دریغ نورزیدند.

خلفی ها و پرچمی ها با شعار دروغین «کور» ، «کالی» او «دودی» آمدند ولی به عوض «کور» (گور) دادند، به عوض «کالی» (کفن) و به عوض «دودی» (مرمی) دادند اینها مردم بیگناه ما را جوقه جوقه به گورهای دسته جمعی فرستادند، طبق احصائیه کمسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال (۲۰۰۹) به تعداد ۱۸۰ گور دسته جمعی در نقاط مختلف کشور کشف و شناسائی گردید که در هر کدام به صدها و صدها جسد زن و مرد و پیر و جوان و طفل افغان موجود بود. طبق احصائیه های دیگر، رژیم کمونیستی در مدت ۱۴ سال حیات ننگین خود با حمایه اتحاد جماهیر شوروی به تعداد اضافه از ۲ میلیون انسان بیگناه کشور ما را صرف به تقصیر کمونیست نبودن معیوب و شهید و اضافه از ۵ میلیون را به مهاجرت های اجباری و ادار ساختند.



این است شهکار این جنایتکاران خلق و پرچم و این قاتلان مردم افغانستان. اینها با شعار دروغین کمک به خلق ها آمدند و خلقها را کشتند اتحاد جماهیر شوروی هم از این کاروان بدبختی محروم نگشت و به تعداد ۱۴،۴۲۷ عسکر و به تعداد ۵۷۶ عضو استخباراتی (ک. ج. ب.) و غیره پرسونل ملکی خود را که ارقام شان روشن نیست از دست داد.

همان بود که جنگ های داخلی در افغانستان و جنگ سرد بین زیر قدرت های بلاک های شرق و غرب به خاطر تحقق اهداف شان در منطقه و جهان اوج گرفت و جنگ سرد روز به روز جنبه عملی بخود می گرفت زیرا بلاک غرب و طرفداران عربی شان در منطقه به کمک و پشتیبانی مقاومت ملی و مجاهدین واقعی و بر حق و سر به کف افغانستان (که امروز در بین ما نیستند و یاد شان همیشه گرامی باد)، پرداخت و میلیارد ها دالر را از طریق همسایگان نا اهل ما چون ایران آخوندی و پاکستان ناپاک در اختیار همین سران تنظیم های مجاهدین که از راه صداقت و حب وطن نگذشته بودند قرار دادند که تا امروز مصروف سرقت دارایی های مردم و عیش و نوش هستند و زندگی اولاد ها و نواده های خویش را در داخل و خارج کشور تأمین و قباله رهبری افغانستان را هم در بغل جیب واسکت های چرکین خود قید و مردم افغانستان را گروگان گرفته اند.

کمک و مساعدت دول غربی در رأس اضلاع متحده امریکا، کشورهای عربی و کوشش های مغرضانه ایران و پاکستان و دستگاه جاسوسی آی. اس. آی. بود که هفتگانه و هشتگانه را به مسند قدرت رساند و با انداختن تخم نفاق در بین ایشان به نام های پشتون و تاجک و هزاره، شیعه و سنی و دری زبان و پشتو زبان و غیره منافقت ها آب را گل آلود نموده و ماهی مطلوب را گرفتند که در طول نیم دهه حکومت "تنظیم" ها شهر زیبای کابل به یک مخروبه مبدل شد.

و این رهبران خیانتکار و نابکار نتوانستند به یک موافقه برسند تا بتوانند به حیث افغانان متحد، با غیرت، با ناموس و وطن پرست بدون مداخله کشورهای همجوار به آبادانی و عرفان کشور خود دست بهم می دادند که ندادند. برعکس این هفتگانه و هشتگانه پس از معامله و توافق بالای کابل با مزدوران روس قسمی که در فوق ذکر نمودم کدام برنامه و ارمغان خوب جز کشتار و غارت برای این ملت نداشتند.



هفتگانه و هشتگانه، ایندو گروه قسم خورده و معاش خوران عربستان و پاکستان و ایران به مجرد رسیدن به قدرت به روز شوم ۸ ثور ۱۳۷۱ (۲۸ اپریل ۱۹۹۲) مانند کمونیست های بیوطن و بی دین از هیچگونه ظلم و تعدی، چور و چپاول و تجاوزات جنسی و هزاران فجایع دیگر بالای مردم بی دفاع افغانستان و اقوام مختلف باشنده این سرزمین دریغ نمودند.

این است کابلی که توسط چکه چوران تنظیم های هشت ثوری ویران و طعمه آتش گردید

(ع) و (غ) زیر یک سقف با هم شیرین و شربت نشسته و از کرسی های بلند این رژیم بیکفایت برخوردار اند، گاهی هم از گذشته های خود اظهار ندامت و پشیمانی کرده اند؟ آیا این قاتلین مردم افغانستان زمانیکه با نزدیکان و فامیل های خود مجلس می کنند از گذشته هایی که وجدان شان را ناراحت می سازد یاددهانی می کنند؟ البته اگر وجدانی داشته باشند!!

اگر جوابات در این زمینه ها مثبت است، پس بیایند مردانه وار در محضر عام در مقابل رسانه های خبری داخلی و خارجی منحیث یک انسان و افغان به جنایاتی که مرتکب شده اند اعتراف نمایند تا کینه های دیرینه ای که در طی اضافه از بیشتر از سه دهه در میان اقوام مختلف افغانستان به میان آمده از قلب های مردم ما پاک شود، و مهمتر از همه که خود این اشخاص از نگاه وجدانی که خواب آرام ندارند، و هر لحظه در هر کجایی که هستند و در هر مقامی که قرار دارند جسماً و روحاً آرام نیستند، می توانند به خاطر آرام در ساختمان وطن عقب مانده خود سهیم شوند، آنگاه قضاوت و داوری در اختیار مردم ما خواهد بود که چه فیصله ای اتخاذ می دارند و من مطمئن هستم که مردم غیور و سخاوتمند ما با در نظر داشت گذشته های شان عفو و بخشش را از همه چیز والا می شمارند و امید قوی دارم که ملت افغان باز به یک مشت آهنین مبدل شوند تا بتوانند ضربه محکمی به دهان دشمنان خود حواله نمایند.

**به امید یک افغانستان آزاد، آباد، متحد و مستقل.**

پایان